



شماره ثبت: ۳۲۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	نوع پنجم مکاسب محرمه.....
۲	مرور گذشته.....
۲	محور دوم: منافعی عبادت با تکسب.....
۲	تقریر اولیه.....
۲	اشکال اول: نسبت مدعا با دلیل، من وجه بودن.....
۳	مقدمه‌ای در مورد عبادات.....
۳	تقسیم بندی سه گانه عبادات در روایات.....
۴	عبادت از سر حب، فانی شدن در جلوه‌های صفت خداوند.....
۴	نگاهی به سطوح در ادعیه.....



نوع پنجم مکاسب محرمة

مرور گذشته

بحث در تکسب واجبات بود. ده قول را بررسی کردیم. ادله منع دو محور داشت:

۱. وجوب و تکلیف الزامی نسبت به یک عمل، مکافات با تکسب و اخذ اجرت دارد. این محور نه تقریر داشت که بررسی کردیم. درنهایت هیچیک از آنها مورد قبول واقع نشد.

۲. تعبدیت و عبادت با تکسب: محور دوم بر این مطلب استوار است. در این قسمت تقریرهای متفاوتی وجود ندارد.

محور دوم: منافای عبادت با تکسب

تقریر اولیه

شرط عبادت، اخلاص و نیت قربت است. اگر کسی در مقابل عبادات، بخواهد اجرت بگیرد، عقد باطل است. روح استدلال تنافی قصد قربت با اخذ اجرت است. این مسئله نیز معرکه‌ی آراء است. فقها و بزرگان در این مبحث به دو گروه کاملاً متفاوت تقسیم‌بندی شده‌اند. یک گروه موافق تنافی قصد قربت با اخذ اجرت هستند. گروهی نیز قائل‌اند که تنافی در اینجا وجود ندارد. آقای خویی و مرحوم تبریزی (ره) از قائلین این نظرند.

اگر کسی تقریرهای نه‌گانه را نپذیرد، به استثنای این وجه در عبادات، قائل به تنافی پیدا می‌کند.

اشکال اول: نسبت مدعا با دلیل، من وجه بودن

مدعا حرمت تکسب به مطلق واجبات است، دلیل حرمت تکسب عبادات را شامل می‌شود که یک قسمی از واجبات است. در نتیجه دلیل اخص از مدعا است. البته از جهت دیگر دلیل اعم از مدعا است. زیرا مدعای ما واجبات است. دلیل عبادیت با تکسب منافات دارد. عبادیت اعم از واجب و مستحب است. نمازهای نافله و اذکار، ادعیه جزء عبادات مستحب هستند.

باید دانست که نسبت مدعا با دلیل، من وجه است.

جواب اشکال این است که قرار نیست که در کل عبادات صحبت کنیم، شاید بخواهیم فقط در مورد واجبات عبادات صحبت کنیم.



شماره ثبت: ۳۲۱۱

وقتی اشکال اخص بودن از مدعا وارد است که مدعی، آگاهانه یا ناآگاهانه بگوید منظور من، مطلق است ولی دلیلش محدوده‌ی کوچکی را داشته باشد. اما وقتی خود مدعی، ادعایی برای گستره‌ی دلیل ندارد، مشکلی نیست.

قبل از ورود به بررسی اشکال دوم به مقدمه‌ای در عبادات می‌پردازم. چون در وجوه دیگر نیز مؤثر است.

مقدمه‌ای در مورد عبادات

همان‌طور که در اصول عرض کردیم، اوامر شرع به تعبدی‌ات و توسل‌ات تقسیم می‌شود. تعبدی‌ات یعنی اوامر و تکالیفی که قوام آن قصد قربت و اخلاص برای خداوند است. اگر برای خداوند نباشد، مجزی نیست.

چند مطلب در تعبدی‌ات وجود دارد:

اینکه قصد امر لازم است یا اینکه همین‌که برای خداوند انجام می‌دهد، محل بحث است؟ بعضی گفته‌اند قصد امر خداوند شرط است. بعضی دیگر نیز می‌گویند که قصد امر لازم نیست، همین‌که عمل منتسب به خداوند بشود کافی است. این بحث ثمره‌های فراوانی دارد.

مبحث دیگری که در فقه به آن نگاه شده است، آیا قصد بهشت و جهنم در تعبدی‌ات مطرح است یا خیر؟ تقسیم عبادات به سه قسم، استفاضه دارد. روایات معتبر عامه و خاصه‌ای نیز وجود دارد که دلالت بر تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ی عبادات می‌کند.

تقسیم‌بندی سه‌گانه عبادات در روایات

تقسیم‌بندی سه‌گانه عبادات به شرح زیر است:

۱. گاهی عبادات را برای بهشت انجام می‌دهند. برای چیزی که در آن سوی عالم، به دست بیاورد. در روایات، این عبادت به عبادت التجار بیان شده است. در اینجا انسان به دنبال منفعت است. انگیزه در اینجا شوق است.

۲. گاهی عبادات برای فرار از جهنم است. در اینجا دفع ضرر مهم است. انگیزه در اینجا، ترس است.

۳. قسم سوم این است که عبادات فراتر از دو وجه بالا است. در روایات از این قسم به «عبادت الاحرار» و «عبادت الکرام» یاد شده است. قسم اول و دوم عبادت مزدی است، اما عبادت سوم، از سطح دادوستد بالاتر است.



در انگیزه عبادت نوع سوم، دو قسم وجود دارد:

۱. عبادت سوم، عبادتی است که از شکر انجام می‌شود.

۲. عبادت سوم، عبادتی است که از سر محبت و شوق انجام می‌شود.

عبادت از سر حب، فانی شدن در جلوه‌های صفت خداوند

این دو قسم باهم تفاوت‌هایی دارند. گاهی بدون در نظر گرفتن بهشت و جهنم، به خاطر نعمت‌های داده شده خداوند، شکرگزاری می‌کند. از قبال این عبادت، نعمت‌های دیگری نمی‌خواهد بلکه فقط خالصانه شکرگزاری می‌کند.

اما گاهی انسان به خاطر شیفتگی نسبت به خداوند، او را عبادت می‌کند. این یک رابطه عاشق و معشوق است. در این رابطه به خاطر شکرگزاری نعمت‌ها و شوق بهشت و ترس از جهنم نیست. این سطح، اوج عبودیت است. در این قسم به خاطر اوصاف خداوند که در ادعیه آمده است، انسان عاشق خداوند شده است.

در قسم اول و دوم، نگاه ما به آینده‌ی خودمان است. در قسم سوم بخش اول، نگاه ما به گذشته است و شکر گذشته است. اشتراک این اقسام این است که ما خودمان را نگاه می‌کنیم. اما در قسم سوم، بخش دوم، ما خودمان را نگاه نمی‌کنیم. اوصاف خداوند را می‌بینیم.

در نتیجه هر چه منافع خود را کمتر ببینیم، عبادات ما درجه‌ی بالاتری دارد.

نگاهی به سطوح در ادعیه

وقتی که ادعیه را ملاحظه می‌کنیم، می‌بینیم که اکثر عبادات همان سطح اول و دوم است. وقتی نگاه به دعای کمیل می‌کنیم، از ابتدا ترس از عذاب و شوق به بهشت را مطرح می‌کند. اما سه، چهار جمله است که در سطح سوم بیان شده است.

«صَبَرْتُ عَلَىٰ عَذَابِك فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِك»^۱ و یا در جای دیگر می‌فرماید که اگر حتی در اعماق جهنم نیز مرا بیندازی، فریاد می‌زنم و تو را می‌خوانم.

۱- فرازی از دعای کمیل.



شماره ثبت: ۳۲۱۱

یا در دعای ابو حمزه ثمالی نیز چنین است. از اول تا آخر در مورد ترس جهنم و شوق بهشت است. اما در چند جمله به سطح حب و شکر می‌رسد.

البته در مناجات شعبانیه، سطح بالاتری وجود دارد: «الهی هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَأَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ»
در مناجات خمسة عشر نیز اوج‌های زیبایی دارد.

این‌که در ادعیه در جاهای کمی به قسم سوم از عبادت اشاره شده است این است که انسان‌های کمی نیز به این درجه می‌رسند.
انسان‌هایی که زندگی‌شان بر اساس قسم سوم عبادات است، معصومین (علیهم‌السلام) هستند. دعاها و ادعیه بیشتر ناظر به مردم است. ممکن است که یک حالی به وی دست بدهد، به خاطر همین فرازهایی از قسم سوم نیز در آن وجود دارد.